

بررسی ریشه های تاریخی

بقاع

سرزمین قزوین

نویسنده: سید محمد مهدی حسینی



سرشناسه: حسینی، سید محمد مهدی، ۱۳۵۷

عنوان و نام پدیدآور: بررسی ریشه های تاریخی بقاع سرزمین قزوین

مشخصات نشر: قزوین: سید محمد مهدی حسینی، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۹۵ص: مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۲۷۰۸-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیاپی مختصر

یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

یادداشت: کتابنامه: ص ۱۷۲-۱۸۰؛ همچنین به صورت زیرنویس. نمایه.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۹۶۰۸۵

عنوان: بررسی ریشه های تاریخی بقاع سرزمین قزوین

نویسنده: سید محمد مهدی حسینی

ناشر: مؤلف

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۲۷۰۸-۵

فهرست مطالب

۱	○ مقدمه
۱	▪ بیان موضوع و دلایل تحقیق درباره آن
۲	▪ روش شناسی تحقیق
۲	▪ دامنه تحقیق
۲	▪ پیشینه تحقیق
۴	▪ جایگاه مذهبی موضوع و نظریه فقه شیعه درباره آن
۷	• بخش اول: شرح بقاع ذکر شده در اسناد تاریخی برای قزوین
۸	○ مقدمه بخش اول
۱۰	○ فصل اول: مزارات مذکور در کتاب التدوین
۱۰	▪ گورستان کهن بر
۱۵	▪ گورستان علک
۱۶	▪ گورستان کوهک
۱۶	▪ گورستان صیقلی
۱۷	▪ قبور کنار دروازه صامغان
۱۷	▪ مزار شهید ابوالقاسم کرچی
۱۷	▪ مزار ابن اسکاف
۱۸	▪ مزار شهید اسکندر بن حاجی
۱۸	▪ مزار ابتکین ترکی
۱۸	▪ مزارات دیگر
۲۱	○ فصل دوم: اضافات وارده در کتاب تاریخ گزیده نسبت به التدوین
۲۱	▪ مزار ابن ماجه محدث
۲۱	▪ مزار خیرالنساج
۲۲	▪ مزار شیخ ابراهیم ستنبه هروی
۲۲	▪ مزار شیخ احمد غزالی

- ۲۹ ■ مزار شیخ رضی الدین طالقانی
- ۳۰ ■ مزار خواجه ابوبکر شاذانی
- ۳۲ ■ مزار شیخ نورالدین گیل
- ۳۳ ■ مزار شیخ جمال الدین گیلی مشهور به عین الزمان
- ۳۳ ■ مزار مولانا نجم الدین عبدالغفار قزوینی
- ۳۴ ■ مزار امام جمال الدین بابویه رافعی
- ۳۴ ■ مزار امام الدین رافعی
- ۳۵ ■ مزار خواجه داود مغربی
- ۳۶ ■ گورستان محله دزج
- ۳۶ ■ مزارات دیگر در تاریخ گزیده
- ۳۷ ○ فصل سوم: اضافات وارده در کتاب هفت اقلیم نسبت به تاریخ گزیده و التدوین
- ۳۹ • بخش دوم: بررسی ریشه های تاریخی بقاع موجود در سرزمین قزوین
- ۴۰ ○ مقدمه بخش دوم
- ۴۶ ○ فصل چهارم: شاهزاده حسین
- ۴۷ ■ امامزاده حسین در اسناد تاریخی
- ۵۸ ■ کاوشهای باستانشناختی در امامزاده حسین
- ۶۴ ○ فصل پنجم: مزارهای بانوان در شهر قزوین
- ۶۴ ■ بقعه آمنه خاتون
- ۶۵ ■ بقعه زبیده خاتون
- ۶۶ ■ بقعه حلیمه خاتون
- ۶۷ ■ بقعه بی بی شهربانو
- ۶۸ ■ منابع تاریخی در خصوص مزارهای بانوان در شهر قزوین
- ۷۶ ○ فصل ششم: بقعه سلطان سید محمد
- ۷۹ ○ فصل هفتم: پیغمبریه
- ۸۸ ○ فصل هشتم: امامزاده اسماعیل
- ۹۳ ○ فصل نهم: امامزاده اباذر
- ۱۰۰ ○ فصل دهم: امامزاده علی
- ۱۰۰ ■ معرفی بنا
- ۱۰۱ ■ احیای سرداب امامزاده علی
- ۱۰۲ • داده های محیطی اولیه
- ۱۰۴ • مرحله اول عملیات

۱۰۵	• مرحله دوم عملیات
۱۰۵	• مرحله سوم عملیات
۱۰۸	• قبور یافت شده
۱۱۱	• بررسی معماری بنای یافت شده در آواربرداری
۱۱۲	• بررسی احتمالات و تحلیل آنها
۱۱۷	○ فصل یازدهم: امامزاده قاسم
۱۲۳	○ فصل دوازدهم: برجهای خرقان
۱۲۵	▪ تزیینات داخلی برج اول
۱۳۱	▪ تزیینات بیرونی
۱۳۲	▪ تزیینات داخلی برج دوم
۱۳۳	▪ کتیبه های بنا
۱۴۲	▪ احتمالات وارده و بررسی آنها
۱۴۲	• نظریه اول
۱۴۳	• نظریه دوم
۱۴۴	• نظریه سوم
۱۴۴	• نظریه چهارم
۱۵۵	▪ بررسی نظریه ها و نتیجه گیری
۱۵۶	▪ نکته ای درباره گزارش استروناخ
۱۶۰	▪ بررسی تاریخی بر مبنای الگوی معماری بنا
۱۶۴	○ فصل سیزدهم: سایر بقاع سرزمین قزوین
۱۶۹	• بخش سوم: جمع بندی و تحلیل کلی
۱۷۲	○ فهرست منابع و مأخذ
۱۷۲	▪ منابع فارسی و عربی
۱۷۹	▪ منابع انگلیسی
۱۸۱	○ فهرست اسامی
۱۸۶	○ فهرست اماکن و نقاط جغرافیایی



مقدمه

بیان موضوع و دلایل لزوم تحقیق درباره آن

آرامگاهها ماندگارترین بناهای تاریخ هستند و علاوه بر ارزشهای مذهبی غالباً دارای ارزشهای معماری و تاریخی برجسته‌ای نیز می‌باشند که ما را ملزم می‌نمایند تا در برخورد با آنها تحقیقات علمی و دقیق بیشتری صورت دهیم. نگاهی به مجموعه بناهای ثبت شده در فهرست آثار ملی استان قزوین نشان می‌دهد تمام بناهای ثبت شده که قدمت آنها به قبل از دوران صفوی برمی‌گردد اختصاص به مساجد، بقاع و قلاع تاریخی دارد که از بین این سه نوع بنا نیز اکثریت قریب به اتفاق باز کارکرد آرامگاهی دارند. ضمن اینکه غالب بقاع حتی در صورتی که جدید و نوساز باشند دارای لایه‌های تاریخی بسیار ارزشمندی از دوره‌های تاریخی هستند که در زیر بنای جدید نهفته و پنهان هستند. لذا به حق می‌توان عنوان داشت که شناخت بقاع در این سرزمین به مانند اکثر نقاط ایران که این قاعده در آن کم و بیش جاریست مهمترین کلید در دسترس از معماری ایران قبل از دوران صفوی است.

اما به رغم اهمیت موضوع هنوز تحقیق کامل و بایسته‌ای در خصوص سیر تحول تاریخی بقاع و سرگذشت آنها و اینکه چه اتفاقاتی سپری شد تا اینکه نمونه‌های به جا مانده از مقابر دوران پیشین در قالب اشکال امروزی با معماری کاملاً متفاوت نمودار شوند وجود ندارد. در واقع غالب تحقیقات صرفاً به توصیف بناها پرداخته‌اند تا اینکه به تحلیل آنها بپردازند که اصلیت‌ترین عامل در این خصوص را بابت به شناخت ناقص تاریخی ما از آنها منتسب نمود.

از سوی دیگر غالب این مقابر را امروزه امامزادگانی تشکیل داده‌اند که زیارت آنان از آداب سفارش شده در مذهب شیعه است و علاوه بر احادیث و روایات وارده از سوی ائمه، قدیمی‌ترین متون تاریخی از زمان آل بویه ما را از جاری بودن این سنت در بین شیعیان مطمئن می‌سازد. آخرین فهرست اداره کل اوقاف حاکیست بیش از ۲۵۰ بقعه و مزار در سطح استان قزوین است که غالب آنها در نزد مردم از اهمیت و قداست بالایی برخوردار هستند و نقش تاثیرگذار و غیرقابل انکاری بر روی زندگی مردم دارند. این موضوع اهمیت تلاش در جهت شناخت تاریخی بقاع را توجیه می‌نماید. منتهی از آنجا که داده‌های تاریخی ما در این زمینه بسیار محدود هستند بدون بهره‌گیری از داده‌های باستان‌شناسی و معماری و تجمع آنها با مستندات تاریخی به نظر نمی‌آید بتوانیم دستاورد چندانی در این باب داشته باشیم. این امر اگرچه تنها راه حل هست ولی ماهیت متفاوت این علوم و متخصصین آن مانع چنین تلاشی تاکنون بوده است و جای خالی آن احساس می‌شود. ضمن اینکه طی سالیان اخیر به جهت مرمت یا نوسازی بقاع داده‌های تاریخی جدیدی در خصوص آنها به دست آمده است که

مستندسازی و ارائه عمومی آنها به جهت درج در تاریخ ضروریست، کما اینکه بسیاری از این نوع داده‌ها در طول تاریخ به جهت اهمال در مستندسازی آنان از بین رفته است.

این تحقیق تلاشی در جهت شناخت مبادی تاریخی بقاع به منظور دستیابی به اهداف ذکر شده در بالا بوده است.

روش‌شناسی تحقیق

هدف موضوع تحقیق این رساله شناخت مبادی تاریخی بقاع در سرزمین قزوین است. به این منظور ابتدا اطلاعات مرتبط با هدف تحقیق در دو حوزه مختلف جمع آوری شده است. حوزه اول شامل بقاعی از قزوین می‌شد که در کتب تاریخ در شرح سرزمین قزوین آمده است و حوزه دیگر نیز شامل ابنیه موجود و شناخته‌شده فعلی از بقاع در قزوین می‌شد. سپس داده‌های برآمده از این تحقیق تحلیل و با یکدیگر ترکیب شده و نظریات مختلف در مورد تاریخچه و چگونگی شکلگیری بر مبنای آنها ارائه و احتمال صحت هر کدام از آنها بررسی شده است. منابع اطلاعاتی این تحقیق از سه حوزه متفاوت استخراج شده‌اند. حوزه اول منابع مکتوب اعم از چاپی و خطی مثل کتب تاریخی و مذهبی بود که احتمال داده می‌شد در آنها به موضوع اشاره‌ای شده باشد. حوزه دوم اطلاعات قابل استخراج از خود بنا و مزار است که از طریق مطالعات باستانشناختی و معماری به دست آمده است و حوزه سوم نیز روایات مردمی و شیاع محلیست که طی قرون سینه به سینه نقل شده است.

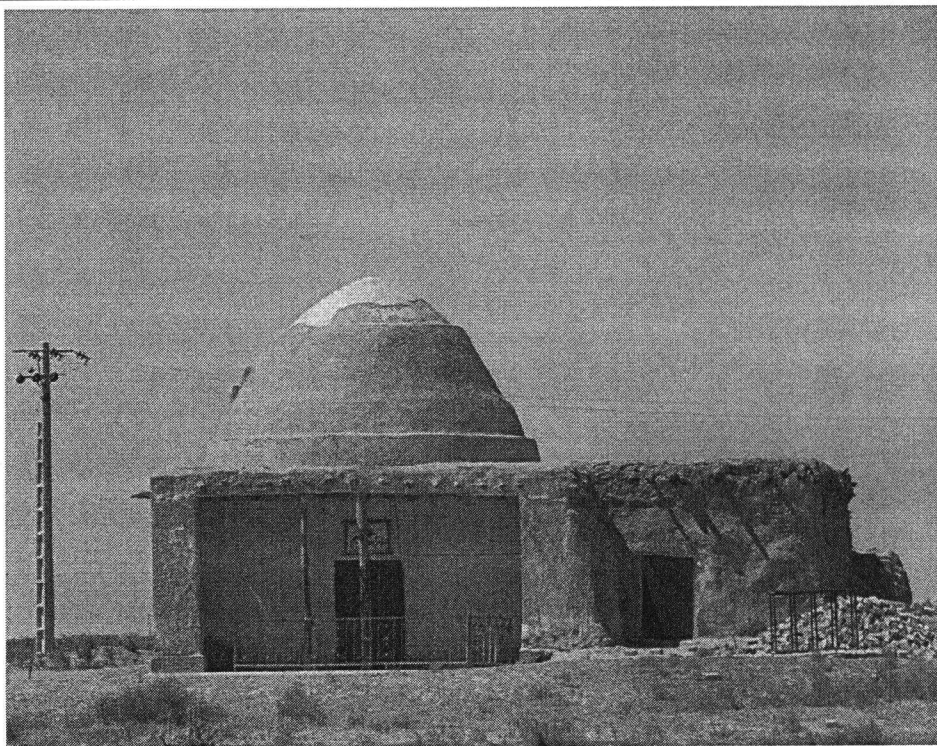
دامنه تحقیق

دامنه تحقیق شامل آن دسته از بقاع و مزارات سرزمین قزوین می‌شد که در تاریخ و یا بنای آنها اطلاعاتی در خصوص ریشه‌های تاریخی آنان به جای مانده باشد که قابل بررسی باشند و بتواند منجر به نتیجه‌گیری خاصی در مورد آنها بشود. از این رو علاوه بر تحقیق در خصوص بقاع ذکر شده در تاریخ، کلیه بقاع استان یک بررسی کلی گردید و نهایتاً امامزادگان داخل شهر قزوین به همراه چند بقعه و امامزاده دیگر در خارج از شهر قزوین که مطالب آنها به نظر می‌رسید بتواند به موضوع مورد بحث کمک نماید انتخاب گردید.

پیشینه تحقیق

پیشینه این تحقیق شامل سه قسمت جداگانه می‌باشد. دسته اول کتابهایست که به بررسی یکی از تک بناها و بقاع فعلی پرداخته‌اند که در صورت وجود چنین کتبی برای آن بناها در داخل متن به آن اشاره شده است که از جمله آنها می‌توان به کتاب قزوین سرزمین پیامبران نوشته جناب آقای محمد علی حضرتی و امامزاده سلطان سید محمد(ع) نوشته آقای عباس رحمانی و کتاب مجموعه آثار فارسی غزالی نوشته جناب آقای دکتر مجاهد و کتاب برگ‌ها از تاریخ قزوین تألیف مدرسی طباطبایی اشاره نمود.^۱ دسته دوم نیز کتابهایست که وارد این بحث شده‌اند؛ ولی محتوا و هدف اصلی آنها وسیعتر بوده و طبعاً به طور خیلی دقیق موضوع را کنکاش

۱ - کتب مذکور به ترتیب راجع به بقعه پیغمبریه، امامزاده سلطان سید محمد، آرامگاه غزالی و شاهزاده حسین بحث نموده‌اند.



تصویر ۱. م: بنای سابق امامزاده ابراهیم در روستای لهارد بویین‌زهرآ، مأخذ: دفتر فنی اداره کل میراث فرهنگی استان قزوین

نموده‌اند. هرچند کتاب مینودر نوشته جناب آقای گلریز در این مورد یک استثناست و ایشان با وجود محدودیت کتب و منابع در آن دوران خیلی خوب این موضوع را در کتابشان بررسی نموده‌اند. دسته سوم نیز کتیبت که موضوعی مشابه این نوشتار داشته و مجموعه‌ای از بقاع استان را بررسی نموده‌اند که در این خصوص تنها یک منبع وجود داشت و آن هم کتاب هزار مزار ایران نوشته جناب آقای محمد مهدی فقیه محمدی جلالی است که یک جلد آن اختصاص به بقاع استان قزوین دارد و به بررسی ۴۶ بقعه واقع در این استان پرداخته‌اند.

از این رو این رساله با درنظرگیری منابع تحقیقی پیشین صرفاً در صدد تکمیل تحقیقات گذشته برآمده و گاه آنها را نقد نموده است و از تکرار مطالب مندرج در آنها مگر بر حسب نیاز و با ذکر مأخذ خودداری شده است.^۱ درمورد کتاب هزار مزار ایران نیز بایست درنظر داشت که کتاب فوق به رغم تشابه موضوعی رویه

۱- لازم به ذکر است این رساله در جهت معرفی عمومی بقاع سرزمین قزوین نبوده است و از ارائه مطالب تفصیلی در این باب که به نظر نمی‌آمده بتواند به هدف تحقیق کمکی بنماید خودداری شده است. در صورت نیاز به این امر می‌توان در خصوص بقاع داخل شهر آن را از کتب مرجع دیگر چون مینودر نوشته مرحوم گلریز و یا کتاب سیر بناهای تاریخی شهر قزوین نوشته جناب آقای دکتر سید محمد دبیرسیاقی و در خصوص بقاع خارج از شهر قزوین از کتاب سرزمین قزوین نوشته مرحوم ورجاوند تهیه نمود.

همچنین در صورت وجود منابعی از قبیل وقفنامه‌ها که متون آنها به درازا می‌انجامیده و تهیه آنها از طریق فضای مجازی و یا کتب مرجع به راحتی میسر بوده صرفاً به بخش مرتبط با بحث و نتیجه‌گیری اشاره شده و خوانندگان می‌توانند اصل مطلب را از مأخذ ارائه شده برای بحث مربوطه تهیه و مطالعه نمایند.

متفاوتی در تحقیق با این نوشتار داشته است که به جهت اهمیت بحث ضرورت می یابد نکاتی درباره آن عرض شود.

تلاش محقق کتاب فوق جناب آقای فقیه محمدی جلالی در جهت معرفی کلی مزارات استانه های مختلف به خصوص از آن جهت که از بیشتر آنها هیچ تصویر یا نوشته ای در جای دیگر وجود ندارد امری بسیار حیاتی و واجب بوده است که قابل تقدیر و ستودنیست. اما در خصوص بررسی تاریخچه مزارات عمده تکیه محقق فوق بر پایه کتب انساب بوده است. حال آنکه کتب انساب معمولاً صرفاً به اسم افراد اشاره نموده اند و به ندرت نیز تنها به محل زندگانی برخی از آنها اشاره شده است. از اینرو پیدا نمودن افرادی با یک اسم بسیار شایع در آن روزگار چون اسماعیل و یا علی بدون ارائه شواهد تکمیلی نمی تواند دلیلی بر انتساب آن بزرگواران به بقاع فعلی باشد و چنین نظراتی تنها می توانند در حد یک احتمال مطرح گردند. حال آنکه عمدتاً متولیان بقاع به جهت افزایش اعتبار بناهای تحت تولیتشان بدون توضیح در باب عدم قطعیت این انتساب ها آنها را بر روی دیوار بقاع جهت مشاهده عموم نصب نموده اند که در درازمدت می تواند به بی اعتمادی عمومی در بین مردم در خصوص موضوع و یا حتی اعتقادات دیگرشان که بر پایه اعتماد کسب شده منتهی گردد. البته نایست از نظر دور داشت دامنه تحقیق ایشان کلیه بقاع کشور بوده است و ایشان در باب پاره ای از بقاع کشور تحقیقات خوب و جامعی انجام داده اند و آن طور که خود توضیح داده اند زندگیشان را وقف این کار نموده اند.

جایگاه مذهبی موضوع و نظریه فقه شیعه درباره آن

همانگونه که ذکر شد زیارت امامزادگان از آداب سفارش شده است. در خصوص تقدیس نمودن یک مزار در فقه شیعه دیدگاه کلی نسبتاً ثابتی وجود داشته که با کمی تفاوت در طی زمان به انحاء مختلفی ابراز شده است.

عبدالجلیل رازی عالم شیعی معروف در قرن ششم در مناظره با یکی از اهل سنت در پاسخ به ایراد وی که شیعیان را متهم به زیارت مقابر بدون توجه به شایستگی صاحب مزار آن می نماید می نویسد که:

« اما آنچه گفته است شیعه به زیارت علوی شوند و در علم و عمل او نگاه نکنند بیچاره کسی که چندین حق را انکار کند و نداند که اهل ری به زیارت سید عبد العظیم شوند و به زیارت السید ابو عبد الله البیض، و به زیارت السید حمزه الموسوی که شرف و نسب و جزالت فضل و کمال عفت ایشان ظاهرست، و اهل قم به زیارت فاطمه بنت موسی بن جعفر که ملوک و امراء عالم حنیفی و شفعوی به زیارت آن تربت تقرب نمایند، و اهل قاشان به زیارت علی بن محمد الباقر که مدفون است بیار کرسب با چندان حجت و برهان که آنجا ظاهر شده است، و اهل آوه به زیارت فضل و سلیمان شوند فرزندان امام موسی بن جعفر الکاظم، و به زیارت اوجان که عبد الله بن موسی مدفونست، اهل قزوین سنی و شیعی بتقرب به زیارت ابو عبد الله الحسین ابن الرضا شوند.» (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: صص ۵۸۹-۵۸۸)

از سخن وی برمی آید که در آن زمان شیعیان از هویت غالب صاحبان مزاری که زیارت می نمودند اطلاع وافی داشته اند. ولی به مرور زمان و با افزایش مقابر مجهول الهویه و گم شدن نامها و نشانی ها در بستر تاریخ

مساله تازه‌ای بروز می‌نماید مبنی بر اینکه نحوه رفتار با بقاعی که اطلاعات موثقی از صاحب آن نداریم چگونه بایست باشد. علامه مجلسی در قرن یازدهم و در کتاب تحفه الزائر در این خصوص چنین قضاوت می‌نماید:

«و بدانکه در قم قبور بسیار هست که منسوبست به اولاد ائمه علیه السلام و بعضی از آنها انتسابش به آنها معلوم نیست و بعضی حالشان معلوم نیست. مثل موسی مبرقع فرزند امام محمد تقی که از بعضی احادیث مذمت او ظاهر می‌شود. اما زیارت هریک از ایشان به اعتبار انتساب به ائمه و احتمال خوبی، بد نیست و مزاری در قم هست که قبه‌ای در آن ساخته‌اند و بر روی قبر کتابی هست که نوشته‌اند که قبر علی بن جعفر الصادق و محمد بن موسی علیه السلام است و از تاریخ بنای آن قبر تا این زمان بود نزدیک به چهارصد سال است و در جلالت و بزرگی علی بن جعفر شکی نیست. اما اینکه این قبر مرقد آن حضرت باشد ثابت نیست. زیرا که در کتب رجال و غیر آن مذکور نیست که آن حضرت به این حدود تشریف آورده باشد و مشهور آن است که در عریض مدفون است و چون از آن قبر قدیم و لوح این چنین ظاهر می‌شود که در آنجا مدفون باشد بهتر آن است که در آنجا زیارت آن حضرت بکنند و قبری در سمنان نیز هست که می‌گویند قبر علی بن جعفر است و معلوم نیست بلکه خلافتش مظنونست و مرقد بسیاری از علما و محدثان در قم هست. باید که آنها را زیارت کنند مثل علی بن بابویه و محمد بن قولویه و قطب راوندی و زکریا بنی آدم و زکریا بن ادریس و آدم بن اسحاق و رضی الله عنهم اجمعین» (مجلسی، تاریخ کتابت: ۱۲۶۱ ه.ق: انتهای فصل دوم از باب دوازدهم)

همانطور که ملاحظه می‌شود از نظر ایشان اگر چه صحت انتساب و آگاهی از عمل فرد متوفی، نقش تعیین کننده در تکریم قبر وی دارد ولی تردید داشتن در این امور به منزله جایز نبودن امر زیارت نیست و همچنان زیارت آنان به احتمال صحت انتساب و سلامت رفتاری وی بد نیست هرچند در درجه و اعتبار آن مکان بسیار مؤثر است.

شیخ عباس قمی (۱۲۵۴-۱۳۱۹ ه.ق) صاحب کتاب مفاتیح نیز در این خصوص نظر مشهوری دارد که در اواخر مفاتیح الجنان نگاشته است. وی می‌نویسد:

«امامزادگان عظام، و شاهزادگان عالیمقام، که قبورشان محلّ فیوضات و برکات و موضع نزول رحمت و عنایت الهیّه است و علمای اعلام تصریح فرموده‌اند به استحباب زیارت قبور ایشان، و بحمدالله تعالی در غالب بلاد شیعه، قبورشان موجود؛ بلکه در قُری و بُریّه و اطراف کوهها و درّه‌ها، پیوسته ملاذّ درماندگان و ملجأ واماندگان و پناه مظلومین و موجب تسلی دل‌های پژمرده‌گان بوده و خواهند بود تا یوم قیامت و از بسیاری از ایشان کرامات و خوارق عادات مشاهده شده. لکن مستور نماند که امامزاده‌ای که انسان به اطمینان خاطر، محض درک فیوضات و کشف کربات بار سفر بندد و شدّ رحال کند به سمت قبر شریفش، باید دو مطلب را اول درست کرده، آنگاه قصد مقصد کند: اول جلالت قدر و عظمت شأن صاحب آن مرقد، علاوه بر شرافت نسب آنچه از کتب احادیث و انساب و تواریخ معلوم شود. دوم معلوم بودن قبر آن سید جلیل و صحت نسبت قبر به او و جمع بین این دو بسیار کم است و ما در کتاب هدیه‌الزائر به ذکر جمعی از ایشان اشاره نمودیم و در نفقه‌المصدور و منتهی الآمال اشاره به محسن بن حسین علیه السلام نمودیم و چون این کتاب را گنجایش ذکر نیست، اقتصار می‌کنیم به ذکر دو نفر از ایشان...» (قمی، ۱۳۹۳، صص ۱۰۱۲-۱۰۱۳)

از مطالب فوق می توان دریافت تلاش در جهت شناخت تاریخچه یک مزار در فقه شیعه از اهمیت عمده ای برخوردار است و اعم از اینکه منجر به تقویت و تایید موضوع و یا تضعیف و یا تکذیب آن بیانجامد امری ممدوح و پسندیده است و بر خلاف پنداشت اولیه برخی از افراد اشتها برخی از مقابر به عنوان امامزاده و یا بقعه متبرکه در محل به معنای صحیح و معتبر بودن آن نیست و طبیعتاً چنین پژوهشی مستلزم تردید در اصل موضوع و بررسی صحت آنهاست و در صورت عدم تبدیل این تردید به یقین این امر به معنای نادیده گرفتن و یا بی احترامی به آن مکان نیست و این نوشتار و بعضاً احتمالات ارائه شده در آن نیز چنین قصدی را دنبال نمی نماید و این مسائل بحثهای فقهی خاص خود را می طلبد.